



خورده‌ایم تا یک چیزهایی رشد بکند. انقلاب هم به همین شکل پیروز شده. ما نوکر انقلاب هستیم، خوش‌مان هم می‌آید و هیچ عیبی هم ندارد که انسان برای ارتقای نظام هر جور کتکی را بخورد، هیچ اشکالی ندارد.

#### فارغ از اینها نگاه‌تان نسبت به مبارزه با فساد چیست؟

فرآیندهای فسادزا. کدام فرآیند فسادزا است؟ اگر باشد، باید با قاطعیت با آن برخورد کرد. هرگونه شبهه با فسادزا است و باید با قاطعیت با آن برخورد کرد. ما چگونه می‌توانیم جامعه را سالم نگه داریم، در حالی که چنین مسائلی وجود دارد؟! ویژه‌خواری فسادزا است. ویژه‌خواری یعنی من از جایگاهی که در دولت یا مجلس دارم برای منافع شخصی خودم استفاده کنم. اینها فرآیندهای فسادزا هستند. مفسدان هستند. فلانی فساد می‌کند و به سراغش می‌روند. ولی تا زمانی که سرچشمه یعنی فرآیندهای فسادزا را خشک نکنید، پرداختن دانه به دانه به آنها چندان مؤثر نیست. باز هم رشد می‌کند و یک عده‌ای می‌آیند و در همان فرآیند به فساد می‌رسند. اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد. ما اگر مسائل نفس خودمان را حل نکنیم، به جایی نمی‌توانیم برسیم. من می‌خواهم با نفسانیات نماینده بشوم، به جایی نمی‌رسم. می‌خواهم وزیر بشوم، بیایم جلب نظر نمایندگان را با نفسانیات بکنم، به جایی نمی‌رسم که فایده ندارد. یا در مجمع تشخیص به خاطر مردم باشم، آقا! اینجا مصلحت نظام است! مصلحت نظام کاری به مردم ندارد که ببیند اکثریت مردم از چه چیزی خوششان می‌آید. مجمع تشخیص، نظام را نگاه می‌کند که بخشی‌اش مردم هستند. یا هیأت عالی نظارت نگاه می‌کند که آیا خلاف سیاست هست یا خلاف سیاست نیست. می‌خواهد فلانی خوشش بیاید، می‌خواهد نیاید.

#### این را نظر به مخالفت هیأت عالی درباره واردات خودرو می‌فرمایید؟

بله. اگر قرار باشد که بگویم جوسازی کرده‌اند، خب برای این جوسازی‌ها خرج کرده‌اند. مردم هم یک حرف‌هایی بزنند که تهاش را نگاه کنی، می‌بینی همین حرکت‌های توطئه‌آفرین است و تبلیغات که تقویت‌کننده آن است؛ جو عمومی ساخته می‌شود. اینهایی که منافع را برده‌اند، یک درصدی از سودهای بادآورده‌شان را خرج کرده‌اند تا این معماری اذهان عمومی را انجام بدهند. وگرنه چرا باید بعد از آن همه کارهای بسیار خوبی که تحت عنوان «ما می‌توانیم» در کشور انجام شده الان مطرح بکنند که شما اصلاً کاری نمی‌توانید بکنید، همه کارهای انجام شده افتضاح است، لجن است. کدام کشور با خودش این کار را کرده؟! از این طرف همین ایراد را نسبت به خودروساز هم مطرح می‌کنند. یعنی همان طور که عده‌ای هستند که منافع‌شان واردات است، همین ایراد را آن طرف مطرح می‌کنند که عده‌ای هم هستند که در انحصار خودروسازی‌ها

ذی‌نفع هستند. مثلاً من خودم در سال ۹۷ یک تیبای دست دوم خریدم به ارزش ۲۰ میلیون. بعد از پنج سال همان تیبای شد ۲۵۰ میلیون. بعضی‌ها این را ناشی از این می‌دانند که در گران کردن خودرو نفع می‌برند. یک ایراد هم به بحث خودروهای داخلی وارد است. ما افتخار می‌کنیم که در این شرایط تحریمی که کشور ما متحمل شده و مشکل ارزی دارد، توانسته‌ایم خودروهایی بسازیم. الان خودروهای کلاس خوبی هم داریم که صادر می‌شوند. همه اینها قابل دفاع است و منکر آن نمی‌شویم. اما در بحث مثلاً مدیریت این قضیه و تراز واردات، کسانی هستند که نمی‌توانیم بگویم آنها ذینفع هستند و واردات‌چی هستند، نه. دلسوز هستند و بخشی از حل این مسأله را در واردات می‌دانند.

خود شما که در هیأت عالی با این قضیه مخالفت کردید، آیا همکارانی نداشتید که با مسأله موافق بوده باشند و آیا آن همکارانی که موافق بودند اساساً سرمایه‌دارانی بودند که وارداتی بودند یا مثل شما کارگزاری بودند که تشخیص‌شان این بود؟

آن چیزی که مد نظر من است، این است که ایراداتی که به این صنعت می‌گیرید- که درست هم هست- باید ریشه‌یابی بشود. برخی‌اش به کار خودمان برمی‌گردد. برخی‌اش هم این طور نیست. برای هر دو راه‌حل وجود دارد. ولی آن چیزی که راه‌حل نیست این است که شما بیایید سرکوفت بزنید. سرکوفت زدن یعنی مضمحل کردن. منظور من این است، وگرنه منکر این نیستم که کار من نقص دارد.

ما نباید با صنعت خودمان برخورد تخریبی بکنیم. دست‌های خارجی می‌خواهند کاری کنند که این صنعت بخواهد، چون اگر این صنعت نخواست و بتواند رشد کند، می‌توانیم ارزش پول ملی‌مان را رشد بدهیم. اگر تولید بخواهد، ارزش پول ملی باز هم سقوط می‌کند.

من موافق این نیستم که همه تولیدات ما همبندی باشد. ولی باز هم همبندی بهتر از این است که کالای کاملاً ساخته شده را وارد بکنید. چون در همبندی چند نفر نان می‌خورند، تعدادی کار می‌کنند و سعی می‌کنند یک کار فنی را یواش یواش یاد بگیرند. این جزء اصلی است و در کنار این می‌توانید یک سلسله اشکالات دیگر را هم مطرح بکنید. من این را قبول دارم، ولی به این هم معتقدم که تکثیر مشکل، رفع مشکل نمی‌کند. با تکثیر مشکل، اصل مطلب را که تولید داخل و مهار تورم است را زیر سؤال نبرید. اجازه بدهید تولید انجام بگیرد. امروز راه نجات ما واردات کالاهایی که در داخل می‌توانیم بسازیم نیست، ولو اینکه ما واردات بسیاری به تولیدات داخل داشته باشیم.

هر کس آمد تخریب کرد و گفت به درد نمی‌خورد، تعطیل کن برود پی کارش، خائن به کشور است. ما نمی‌توانیم صنعتی که در کشور ایجاد شده را تعطیل کنیم. صنعت نفت ما صد سال قدمت دارد. آیا اشکال ندارد؟ آیا در آن انحراف وجود ندارد؟ چرا،



هر کس آمد تخریب کرد و گفت به درد نمی‌خورد، تعطیل کن برود پی کارش، خائن به کشور است. ما نمی‌توانیم صنعتی که در کشور ایجاد شده را تعطیل کنیم. صنعت نفت ما صد سال قدمت دارد. آیا اشکال ندارد؟ آیا در آن انحراف وجود ندارد؟

هست. اما نمی‌توانیم که صنعت نفت را تعطیل کنیم. صنعت نفت و گاز ما از مزیت‌های نسبی ماست. صنعت خودروی ما شصت سال عمر دارد. نفت صد سال و خودرو شصت سال. آیا می‌توانیم بگویم متوقفش کنیم؟ نه، نمی‌توانیم. باید اصلاحش کنیم. صنایع دیگرمان هم همین‌طور، فرقی نمی‌کند. ما الحمدلله اگر در بیست و چهار ماه واقعاً درست مدیریت کنیم، هیچ کم و کسری‌ای نداریم. من بارها گفته‌ام که دوستان! اشکالی ندارد. من نماینده مجلس هستم و مسئولیتی در این نظام دارم. اگر دوستانی هستند که فکر می‌کنند تباهی‌ای در کار من وجود دارد، اشکالی ندارد. مدارکشان را بدهند قوه قضائیه بررسی کند. سیه‌روی شود هر که در او غش باشد. من که ابایی نداشتم. در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردم. پرونده‌ام را دیده‌اید که تحویل شورای نگهبان داده‌ام. اگر می‌خواستند دریاورند درمی‌آوردند، برایشان مشکلی ندارد که! آنها حق دارند و می‌توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند. به اطلاعات سیاه دسترسی دارند، به اطلاعات دادگستری دسترسی دارند و... همه را می‌توانند بگیرند. هر نوع انحرافی را در زندگی من در صورت وجود، می‌توانند بگیرند. به مجلس هم که آمدم باز هم همین‌طور. حال آنکه سابقه من روشن است. من اصلاً ابهامی ندارم. ای دوستان عزیز! که فکر می‌کنید در زندگی شخصی من انحراف وجود دارد! اشکالی ندارد. بروید این قضیه را در قوه قضائیه مطرح بکنید. هوار هوار نکنید. من وقت ندارم بیایم از شخص خودم دفاع بکنم. من می‌خواهم از این انقلاب دفاع بکنم. کور خواندید کسانی که فکر می‌کنید می‌توانید مرا مجبور به دفاع از شخص خودم بکنید. من اصلاً نیازی به این کار ندارم.

پس قضیه شکایاتتان از مجری یکی از شبکه‌ها چه بود؟  
من اصلاً شکایت نکرده‌ام. چه کسی گفته من شکایت کرده‌ام؟

#### دفترتان هم شکایت نکرده بود؟

این هم بازتاب رسانه‌های بیگانه است. کی من شکایت کردم؟ من ایرادی را مطرح کردم و گفتم آقایان! دقت کنید.

#### پس شکایت قضایی نبوده؟

خیر. اینها انحراف از صحبت من کردند.

#### چون آقای فضایی واکنش نشان دادند.

خطاب به ایشان می‌گویم که آقای فضایی! چرا صحبتی را می‌کنی که آن را نخوانده‌ای؟ بازتاب تحریف‌شده حرف مرا می‌گیری و بعد انتقاد می‌کنی! آیا این درست است واقعاً؟ اولاً که دفتر من نوشته. خیلی‌ها مدافع من هستند و می‌آیند می‌نویسند. من که

نمی‌توانم مانعشان بشوم. می‌گویند آقای میرسلیم! دارد به تو ظلم می‌شود. اجازه می‌دهی دفاع کنیم. می‌گویم شما کار خودتان را بکنید، من چه کار دارم.

#### پس دفتر شکایت داشته!

خیر، دفتر شکایت نکرده. دفتر نوشته به این روش اجرای برنامه انتقاد وارد است. مجری برنامه و طرف مقابل دست به دست هم داده‌اند. این درست نیست. مجری باید بنشیند وسط و بحث را تقسیم بکند، نه اینکه هوادار یکی از طرفین باشد و با هم بپرند روی نفر سوم. اینکه نمی‌شود برنامه مناظره! یک چیز واضحی است.

امروز در عرصه سیاسی در کشور ما یک پدیده‌ای به وجود آمده که افرادی یا کارگزارانی بدون اینکه عقبه سیاسی داشته باشند، در لیست‌های انتخاباتی قرار می‌گیرند. لیست‌های باندی و قومیتی ظهور پیدا کرده‌اند. آیا شما به چنین پدیده‌ای قائل هستید و آن را چگونه می‌بینید؟ فکر می‌کنید چنین پدیده‌ای وجود دارد یا این سیر طبیعی حکمرانی است و جلو می‌رود؟

نه اینکه اعتقاد من باشد. این درسی است که من یاد گرفته‌ام. من شخصاً به عنوان شاگرد کوچک مرحوم بهشتی از ایشان درس‌های خیلی زیادی یاد گرفته‌ام. یکی این بود که کشوری که بنای خود را بر مردم‌سالاری می‌گذارد، بدون تشکل نمی‌تواند پیش برود. این حرفی است که پشتش استدلال وجود دارد و من هم آن استدلال را قبول دارم. به خاطر همین هم حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داد. در حزب است که افراد شناخته و برای به عهده گرفتن مسئولیت معرفی می‌شوند، نه اینکه من پسرخاله‌ام را بگذارم برای فلان وزارت. در حزب است که به سواد و صلاحیت‌های فرد و برخورد‌های فردی و گروهی او نگاه و بهترین‌ها را انتخاب می‌کنند. شما در کل عالم نگاه کنید. جور دیگری کار می‌کنند؟

نگذاشتند حزب پا بگیرد. حزب باید می‌گرفت، اشتباهاتش را بر طرف می‌کرد؛ قوام پیدا می‌کرد. احزاب دیگر در کنارش درست می‌شدند و قوام پیدا می‌کردند و بعد با هم رقابت می‌کردند. حزب جمهوری اسلامی را با یک میلیون عضو متلاشی کردند. چرا؟ برای اینکه تشکل در این کشور شکل نگیرد و هر فردی که قلدرتر است بیاید بالا. حالا ممکن است قلدر باخداپی هم باشد، ولی بالاخره قلدر است. تشکیلاتی ندارد. برای همین خویش و قوم‌ها و رفیق‌هایش را می‌آورد. نه آنهایی که شایسته هستند، چون آنهایی که شایسته هستند در حزب می‌آیند و با هم هستند و ضعف‌های همدیگر را می‌شناسند. باید یک نفر دست‌کم سه سال امتحان پس بدهد و بعد به‌عنوان نماینده معرفی شود. ما نمی‌توانیم آبروی حزب را برایشان خرج کنیم.



من شخصاً به عنوان شاگرد کوچک مرحوم بهشتی از ایشان درس‌های خیلی زیادی یاد گرفته‌ام. یکی این بود که کشوری که بنای خود را بر مردم‌سالاری می‌گذارد، بدون تشکل نمی‌تواند پیش برود

